

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[آرم محفل روحانی ملی بهائیان ایران]

نمره: ۴۲۳؛ تاریخ: ۱۸ شهر الرّحمة ۱۰۱، مطابق ۲۰ تیر ماه ۱۳۲۳؛ ضمیمه: خلاصه وقایع

جناب آقای ساعد، نخست‌وزیر

در تعقیب معروضه شماره ۳۹۸۶ مورّخه ۱۳- ۱- ۲۳ این محفل، محترماً به استحضار خاطر عالی می‌رساند: هر چند با کمال حسن نیت و به صرف عدالت، اوامر و احکام لازمه از آن مقام محترم و وزارت کشور برای جلوگیری از اقدامات مفسده‌جویان بر ضدّ بهائیان در نقاط مختلفه کشور صادر و در بعضی از جهات هم تا اندازه‌ای مؤثر واقع گردیده، ولی چون در هیچ‌جا محرّکین و مفسدین چنان‌که باید و شاید تعقیب و به کیفر اعمال ناشایست خود نرسیده‌اند، دامنه اقداماتشان وسیع‌تر شده و نایره فساد و تعدی و تجاوز به نقاط دیگر از قبیل شیروان، گناباد، فردوس، بشرویه و غیره سرایت کرده و بر وفق خلاصه ضمیمه، مفسدین به اعمال و افعالی مبادرت ورزیده‌اند که مخصوص ادوار توّحش و اقوام دور از دین و تمدن می‌باشد. عجب‌تر و اسفناک‌تر از همه اقداماتی است که ژاندارم‌های بشرویه بدان ارتکاب ورزیده‌اند. ژاندارم که در دنیای متمدن حافظ و حامی مال و جان و ناموس افراد کشور از تعدّیات اشرار و مفسدین و غارتگران است، خود به تحریک مبعضین و اشرار محلی در بشرویه جنایاتی مرتکب شده که این محفل از ذکر آن شرم می‌نماید و نیز جای بسی تأسف و تأثر است که در این موارد، مأمورین دولت سرّاً و معناً با اشرار هم‌دست شده و مخصوصاً رییس تلغراف، عرایض تظلم‌آمیز مظلومین و ستم‌دیدگان را به اولیای امور مخابره ننموده است. البتّه بر خاطر عالی مکشوف است که این قبیل عملیات شرم‌آور مفسدین و هم‌دستی مأمورین دولت با آنان و خودداری از جلوگیری و تعقیب اشرار در چنین موقع باریک و دقیق، بالمرّه منافی با حیثیت و اعتبار و رشد اجتماعی دولت و ملت ایران است و در صورت ادامه این وضعیّت خدای نخواستہ ممکن است کار به جایی کشد که اسباب زحمت اولیای معظم امور فراهم گردد.

بهائیان ایران که هیچ‌گاه در ایفای وظایف قانونی و اجتماعی خود و اطاعت و صداقت نسبت به مقرّرات رسمی دولتی قصوری نورزیده و تعداد افراد آنان از سایر اقلیّت‌های کشور بیشتر است و در خدمت و جان‌فشانی نسبت به موطن مقدّس خود همواره مقدّم بر دیگران بوده‌اند، حقّاً نباید این‌گونه از عدالت اجتماعی و حمایت قانون محروم و مسلوب‌الحقوق و تا این درجه دچار صدمات گوناگون بوده باشند. در خاتمه مجدداً متمنّی است به صرف عدالت‌پروری و دادگستری، توّجه مخصوصی در این باب مبذول و دستورات اکیده صادر فرمایند که از اعمال وحشیانه مفسدین و مغرضین کاملاً جلوگیری شود و متجاوزین تعقیب و مجازات گردند. با تقدیم احترامات فائقه.

محفل روحانی ملی بهائیان ایران

منشی محفل، علی‌اکبر فروتن، [امضاء: علی‌اکبر فروتن]

۱- بندرشاه: عده‌ای از اشرار که بعضی عملجات و کارگران راه‌آهن نیز جزو آنها می‌باشند، به تحریک مفسدین، بهائیان را مورد اذیت و تعدی قرار داده و دگان‌های آنها را چاپیده و اموال را غارت نموده‌اند. از آن جمله غلام‌حسین و عطاءالله دیانت را با کارد مجروح نموده‌اند. یک نفر از اشرار به وسیله تبعه شوروی دستگیر و قضیه به شهربانی مراجعه می‌شود. شخص ضارب را به گرگان می‌برند، ولی به زودی مرخص شده و به بندرشاه مراجعت می‌نماید. در اثر این پیش‌آمد اشرار جسورتر شده و در ۱۸- ۱۱- ۲۲ ساعت یک بعدازظهر به دگان رشیدی به قصد غارت حمله می‌نمایند. سه نفر از بهائیان که در صدد جلوگیری از اشرار برمی‌آیند، مورد ضرب با چوب و کارد واقع می‌شوند. از

۱- خلاصه وقایعی که در اینجا آورده شده، در اوراق ضمیمه نامه فوق‌الذکر است.

آن جمله آقای طایبی که در اثر جراحی و مرخصی و بستری می‌شود. از مراجعات خسارت‌دیدگان به ادارات مربوطه محلّ و گرگان، کوچک‌ترین نتیجه حاصل نشده است.

- ۲- گلپایگان: شیخ جواد صافی و پسرش فخرالدین صافی، اهالی گلپایگان را علیه بهائیان تحریک می‌نمایند و عده‌ای از مفسده‌جویان در معابر به بهائیان حمله‌ور شده، آنها را مورد تعرّض و فحاشی و تهدید قرار می‌دهند. از طرف مأمورین محلّ برای رفع مزاحمت اشرار و جلوگیری از تعدّیات آنان نسبت به بهائیان تاکنون هیچ اقدامی به عمل نیامده است و رییس شهربانی که با شیخ جواد مربوط است، به شکایات بهائیان ترتیب اثر نمی‌دهد و این مسأله بر جسارت اشرار می‌افزاید.
- ۳- قصر شیرین: نماینده معارف، آقای ملکی اهالی را علیه بهائیان تحریک می‌نماید. در ایام عید نوروز هذّه السنّه، جمعی از اشرار و اطفال و لگردد و متکذّیان در کوچه و بازار، بهائیان را مورد حمله قرار داده و فحاشی می‌کنند و به خانه بعضی سنگ می‌اندازند. در موقع این تعرّضات و تعدّیات، پاسبان حاضر و ناظر بوده، ولی برای جلوگیری از عملیات اشرار و پراکنده نمودن آنها، هیچ اقدامی نمی‌نماید و اداره شهربانی نیز در عوض حفظ حقوق بهائیان و رفع دفع مزاحمت و تعدّی اشرار، بهائیان را احضار و آنها را مجبور به ترک قصرشیرین می‌نماید. در اثر بی‌مبالاتی مأمورین شهربانی و تحریکات آقای ملکی، وضعیّت بهائیان قصرشیرین روز به روز سخت‌تر می‌شود.
- ۴- مهریز یزد: در شب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳، هفت نفر از اشرار مسلّح شبانه به قصد کشتن و هتک ناموس، به خانه یک نفر بهائی ولی‌الله نام وارد می‌شوند، ولی موفق به اجرای نیّت سوء خود نگشته، مقداری از اموال را که تخمیناً ده هزار تومان قیمت داشته، غارت می‌کنند. اداره ژاندارمری و شهربانی یزد مرتکبین را دستگیر و قضیه در محکمه محلّ تحت تعقیب است، ولی تحریکات مفسدین علیه بهائیان ادامه دارد و مشاّر الیهیم در نهایت اضطراب و نگرانی می‌باشند، چه اگر جلوی تحریکات و تبلیغات بر ضدّ بهائیان گرفته نشود، جان و مال آنها در معرض خطر است و از بین خواهد رفت.
- ۵- طبس: در اثر تحریکات شیخ غلامرضا روضه‌خوان و عده‌ای از اهالی شهر، دو نفر از بهائیان آنجا را مورد تعرّض و فحاشی و سنگ‌پرانی قرار داده و همه روزه آنها را به قتل تهدید می‌نمایند. کار به جایی می‌کشد که نامبردگان تاب مقاومت در طبس را نیاورده و ناچار با خانواده از آنجا خارج می‌شوند ولی تعرّضات مفسده‌جویان نسبت به سایر بهائیان طبس ادامه دارد.
- ۶- گناباد: اشرار تعرّضات سختی به بهائیان نموده و جمعی را به شدّت کتک زده‌اند و اموال عده‌ای را به غارت برده‌اند. از جمله دو نفر را به قدری زده‌اند که در اثر ضربت‌های وارده، مبتلا به جنون شده‌اند و فعلاً در مشهد تحت معالجه می‌باشند. چون از شرارت مفسدین به هیچ‌وجه جلوگیری به عمل نمی‌آید و جان و مال بهائیان در خطر بوده، مشاّر الیهیم ناچار از گناباد خارج می‌شوند. هر چند از طرف استانداری و شهربانی و ژاندارمری مشهد اقداماتی برای تعقیب و جلب اشرار آنجا به عمل آمده است و بعضی از بهائیان به گناباد مراجعت کرده‌اند ولی چون محرکین و مسببین فجایع مزبوره تا کنون آزاد می‌باشند و به تفتینات و تحریکات علیه بهائیان ادامه می‌دهند، بیم تولید فتنه و فساد جدیدی می‌رود. مثلاً رؤسای ادارات دولتی به عنوان این‌که بهائیان انتشاراتی بر ضدّ اسلام داده‌اند و به بهانه این‌که شهربانی به علت کمی تعداد نفرات پاسبان نمی‌تواند از عهده جلوگیری از اشرار برآید، تصمیم گرفته‌اند کلیّه مأمورین ادارات را که بهائی هستند، از گناباد اخراج نمایند.
- ۷- فردوس: وقایع گناباد به فردوس سرایت نموده و به واسطه تحریک اشرار گناباد در آن محلّ نیز به خانه‌های بهائیان حمله نموده، درب پنج شش منزل را سوزانده و به خانه یک نفر بهائی که در خارج شهر در باغ سکونت داشته، ریخته، او را سخت مضروب می‌نمایند و همه روزه اجتماعاتی کرده و بهائیان را به قتل و غارت تهدید می‌نمایند و بهائیان برای حفظ جان خود در یک نقطه دور دست مجتمع شده و عده [ای] به اتّفاق ژاندارم‌ها شب‌ها کشیک می‌دهند. راحت و آسایش از جمیع بهائیان که هر دقیقه جان و مالشان در خطر اتلاف است به کلی سلب گردیده. راجع به قضایای فردوس نیز از طرف مقامات مربوطه مشهد اوامر مؤکده برای دستگیری اشرار صادر گردیده و اداره ژاندارمری محلّ، برخی را که در باغ‌های خارج شهر بهائیان را کتک زده‌اند، تعقیب و به دادگاه محلّ جلب نموده



است. ولی این اقدامات به عداوت و خشم مفسدین افزوده و هر روز در صدد اذیت بهائیان و جعل و افترا و تهمت هستند و شبنامه‌هایی منتشر نموده، بهائیان را تهدید می‌نمایند.

۸- بشرویه: در اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ علی مقیمیان و عباس جهانی سیمپان پست و تلگراف بشرویه از تعدیات و فجایعی که در گناباد و فردوس نسبت به بهائیان اعمال می‌شود، مطلع شده و اهالی بشرویه را به پیروی از حرکات مفسدین آن نقاط تشویق و تحریک می‌نمایند و اخباری انتشار می‌دهند که گویا در فردوس و گناباد و سایر نقاط خراسان بهائیان را قتل عام نموده و منازل آنان را غارت کرده‌اند. این شایعات و تحریکات سبب می‌شود که عده [ای] از اهالی بشرویه ابتدا شروع به تعرضات نسبت به بهائیان نموده، آنها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، سپس درب دو دکان و هفت منزل مسکونی بهائیان را آتش می‌زنند و نیز درب قبرستان را خراب می‌کنند و در شهر به خانه‌های بهائیان سنگ می‌اندازند و نسبت به زن‌ها و اطفال مرتکب حرکات وحشیانه می‌شوند. مراتب به اداره ژاندارمری محل اطلاع داده می‌شود، ولی کوچک‌ترین اقدامی از طرف ژاندارمری به عمل نمی‌آید، گذشته از آن وقتی که بهائیان می‌خواهند تلگرافاتی به مشهد مخابره و دادخواهی نمایند، رییس پست و تلگراف آقای صالحی تحت عناوین مختلفه از مخابره تلگراف خودداری می‌نماید. کلیه مأمورین محل نه این که نسبت به تظلمات بهائیان هیچ قدمی برنداشته‌اند، بلکه از وضعیت وحشتناک مظلومین سوء استفاده نموده، از آنها مطالبه وجه می‌نمایند و اخاذی می‌کنند. یک نفر از بهائیان، آقای عبدالحسین بدیعی در صدد برمی‌آید با اتوموبیل برای دادخواهی از بشرویه به مشهد حرکت نماید، اشرار مطلع شده به دستگیری رییس پاسگاه ژاندارمری شوفر اتوموبیل را تهدید و وادار می‌کنند که از حمل مسافر خودداری نماید و اثاثیه آقای بدیعی را از اتوموبیل به زمین می‌ریزند. عده‌ای از بهائیان که جان و ناموس و اموالشان در معرض خطر بوده، به اداره ژاندارمری پناهنده می‌شوند. رییس پاسگاه امنیه و رییس پست و تلگراف به پناهندگان اطمینان می‌دهند که برای حفظ آنها اقدامات لازمه معمول خواهند داشت و آنها را اغفال نموده وادار می‌کنند که به خانه‌های خود برگردند و بعد معلوم می‌شود که رؤسای مذکوره نیز از هم‌دستان اشرار بوده و مخصوصاً بهائیان را از تحصن در ژاندارمری منصرف می‌نمایند تا مفسدین بتوانند در خارج به آنها حمله نمایند و همین‌طور هم می‌شود. شب همان روز قریب سی نفر به منزل آقا عبدالرسول هوشنگی ریخته و با وضع وحشیانه صاحب‌خانه و عیالش را مضروب نموده و اموالشان را در حدود بیست هزار تومان غارت می‌کنند و به این اعمال فجیعانه از قبیل شکستن در و شیشه و سوزاندن خانه و غارت اثاثه و ضرب اهل خانه اکتفا ننموده، دو نفر از اشرار که یکی از آنها غلامرضا جمشیدی رییس پاسگاه ژاندارمری بوده، به ناموس عیال هوشنگی تجاوز می‌نمایند و با این عمل شنیع، فاجعه را به منتها درجه شدت می‌رسانند، سپس خود این مأمور که ظاهراً حافظ جان و ناموس بیچارگان است با چند نفر ژاندارم چند تگه فرش و رختخواب را آتش می‌زنند. مأمورین دولتی مفضل‌الاسامی ذیل جزو اشرار بوده و در این غارتگری و فجایع سر دسته و محرک و شریک بوده‌اند: (۱) غلامرضا جمشیدی رییس پاسگاه ژاندارمری و سه نفر ژاندارم (۲) علی اکبر آذری (۳) علی مقیمیان سیمپان پست و تلگراف (۴) رضا مقیمیان (۵) حسن مرادی و سه نفر برادرانش و از محرکین و مسببین این اعمال شنیعه و فجایع دلخراش، آقای ناصر قدس بوده که سمت پیش‌نماز محل را دارد. مشاراًلیه به دو نفر از بهائیان که از او استمداد نموده و خواهش کرده بودند اشرار را نصیحت و از اعمال وحشیانه آنها جلوگیری نماید، صریحاً می‌گوید: من و مردم سال‌ها آرزوی چنین روزهایی را داشتیم و البته از این بدتر هم خواهد شد.

۹- قم: در تاریخ چهارم خرداد ماه ۱۳۲۳ عده [ای] از اشرار کلید به در خانه دکتر صابر انداخته و در غیاب او وارد منزل شده، به در و دیوار لغات زشت و عبارات رکیکه نوشته و اطاق را آلوده به کثافت می‌نمایند و ضمناً مقداری اثاثیه و نقره‌آلات برداشته از خانه بیرون می‌روند و این عملیات تقریباً دو ساعت طول کشیده، خسارت دیدگان به شهربانی مراجعه و شکایت می‌نمایند، ولی از طرف شهربانی برای تعقیب اشرار و دستگیری سارقین هیچ اقدامی نشده است. در تاریخ ۷ خرداد ماه، مقابل منازل چند نفر از بهائیان عده [ای] عبارت از سی الی چهل نفر جمع شده و منتظر بوده‌اند که اگر کسی بیرون آید، حمله نموده و کتک بزنند. در تمام کوچه‌های محله ابرقو که اکثر بهائیان در آنجا سکنی دارند، به خط جلی بر دیوارها نوشته شده که به بهائیان جنس فروشید و آنها را به حتم راه ندهید و کسبه

و دگان‌دارها یا به واسطهٔ تعصب و عداوت یا از ترس به بهائیان جنس نمی‌فروشد و حتی مشارک‌الیهم نمی‌توانند از نانوائی‌ها نان بخرند.

[امضاء: علی‌اکبر فروتن]

[حاشیهٔ ۱:] جناب آقای اشرفی، عطف به سابقه اقدام فرمایند. ۲۵- ۴- ۲۳.

[حاشیهٔ ۲:] آقای رییس دفتر، گویا سوابق این کار در وزارت کشور است. ملاحظه و مراجعه فرمایید. ۴/۳۱.

[حاشیهٔ ۳:] نمرهٔ ۸۸۳، ۴- ۵- ۲۳.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]